

عنوان و نام پدیدآورنده: پند پدر / گردآورنده و ویراستار: موسی سالاری.

مشخصات نشر: کرمان: ودیعت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ص: مصور، جدول، نمونه.

شابک: ۷-۵۱-۵۰۹۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: احمدی، عطا، ۱۳۱۵ -

موضوع: پهلوانان ایرانی -- کرمان (استان) -- سرگذشت‌نامه

موضوع: نیکوکاران -- ایران -- کرمان (استان) -- سرگذشت‌نامه

شناسه افزوده: میرزایی، حسین، ۱۳۴۲ -، گردآورنده

رده بدی‌نگره: ۱۳۹۴ پ/۷۶۵۷ GV

رده دی‌دیوی: ۷۹۶/۰۹۵۵

شماره کتاب‌شناختی: ۴۰۲۳۹۴۰

«پند پدر»

گردآورنده و ویراستار: موسی سالاری

ناشر: ودیعت

گروه تألیف: حسین میرزایی، فریبا اسکندری، بیژن قهرمانی، علیرضا عسکرزاده

طراح: مجید صدرائی (طراحی جلد و صفحات کتاب با نظر پهلوان - با انجام شده است)

عکاسان: علیرضا عسکرزاده، هادی خدیو، حسام خالاب

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت ایرانچاپ (۲۹۹۹۳۴۴۵)

تعداد: ۵۰۰۰

قیمت: با حذف صفحهای یک اسکناس دوهزارتومنی، ۲۰۰۰، دو تومن To + man=

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

آدرس: کرمان، خیابان معلم، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، دبیرخانه شورای آموزش و

پرورش - شماره تماس: ۳۲۲۳۳۱۳۷

شابک: ۷-۵۱-۵۰۹۵-۶۰۰-۹۷۸



نظر جناب آقای سید محمدعلی گلابزاده در مورد عطا بلندقامت جوانمردی و خدمتگزاری

عطا احمدی نامی آشنا برای مردم کرمان و همه صاحب‌دلان فرهنگی است. مردی که بی هرگونه جیره و موجب، آستین همت بالا زده و با ساختن بیش از ۲۵۰ باب مدرسه بزرگ و بسیار بزرگ در کرمان و نیز آثار گران‌قدر دیگری چون سرای سالمندان، نام بزرگ خود را نقش نگین کارآفرینی فرهنگی ساخته است. آن‌ها که از زندگیش آگاه هستند، او را با عارفانی چون ابراهیم ادهم و روزبهان و... مقایسه می‌کنند. داوری سنگینی که برای ناآشنایان مانوس نیست. اما به راستی این کارآفرین کرمانی چیزی از همه ناموران پهنه عرفان کم ندارد.

او نه تنها، هرگز بابی کارهایی که انجام داده دیناری از هیچ فرد حقیقی یا حقوقی دریافت نداشته، بلکه هرگز دیناری به کسی در ملاقات با کسی صرف کرده باشد. او از یک پیراهن ساده و شلوار قدیمی فراتر نمی‌رود. گاه نکته‌هایی در زندگی عطایه چشمش خورد که می‌توان گفت حتی برخی از عرفای بزرگ تاریخ از عهده انجام آن بر نمی‌آیند. محمد با مشارزاده مدیر وقت مدرسه احمدی نقل می‌کرد که در یکی از روزهایی که عطایه مدرسه آمد، گرفته و دلگیر می‌نمود، با این همه در تمامی کلاس‌ها حضور یافت. تمام وقت صبح را به تدریس پرداخت و سپس شتابان به سوی خانه رفت. فردای آن روز شنیدم که یک از فرزندان او از دنیا رفته و عطا جسد او را در مشتاق گذاشته، به مدرسه آمده وظیفه خود را انجام داده، آنگاه به خانه رفته و از فرصت بیکاری و آزاد خود در بعد از ظهر همان روز استفاده کرد و به دفن جسد فرزند خویش پرداخته است؛ اینک آیا می‌توان گفت که پایان زندگی عطایه بهای مادی، انتهای حیات ناموران خداجوست؟!

تو را که زندگی جاودان میسر نیست

ز نام نیک، اثر جاودانه ای بگذار

حق شناسی درسی است که عطا با اقدامی در خور ستایش به جامعه خود داد. او که می‌دانست پشت سر هر مرد موفق زن موفق وجود دارد، به پاس خدمات و همراهی‌های صمیمانه آن بانوی درگذشته تنها خانه خود را نیز وقف بنیاد نیکوکاری ابوالفضل کرده و با تخریب و ساخت مجدد آن به عنوان مدرسه‌ای به نام همسر مرحومه‌اش، دین خود را به او نیز ادا کرده است. همچنین تنها سرمایه عطا، یعنی دوچرخه‌ی قدیمی او را نیز به

موزه آموزش و پرورش بردند تا به یادگار بماند، و مفسر این کلام منظوم باشد که «سودا چنین خوش است که یک جا کند کسی».

مادر عطا مرحومه عدرا عراقی زنی رشید، شجاع، زحمتکش، فداکار و پهلوان بود. او دختر مرحوم کربلایی اصغر از همراهان حکام بختیاری به شمار می‌رفت اندیشه روشن و آینده‌نگر این بانوی فرهیخته، موجب شد تا در سن پنج سالگی عطا را به مکتب سپارد تا دل و دیده او را با انوار الهی قرآن و ابیات نورانی حافظ آشناسازد و آمادگی لازم را برای ورود به مدرسه به دست آورد و چنین بود که عطا با پشت سر گذاشتن دوران مکتب راهبی مدرسه ی کاویانی شد و سپس به مدرسه ایرانشهر رفت و از محضر میرزا بروآمینی بهره گرفت و درس نظم، پیگیری و فداکاری را پس از پدر و مادر عملاً نزد این مدیر نمونه آن زمان آموخت. آنگاه وارد دانشسرای مقدماتی کرمان شد و درس و ورزش را به هم آمیخت و سرانجام در سن هیجده سالگی مدیر و آموزگار مدرسه ی گوهر یافت شد. پس از آن، مدیریت مدرسه ی راکر و نهبان به او سپرده شد، سرانجام در سال ۱۳۳۸ به کرمان منتقل و مسئولیت‌های مختلفی را برآورد و پس از مدیریت مدرسه علوی، معاونت مدرسه ی فردوسی، ریاست تعلیمات ابتدایی اداره کل، در سال ۱۳۶۰ با پست کارشناس فنی بازنشسته شد.

عطا که همواره به کارآفرینی می‌اندیشید، پس از دعوت به کار دوباره از سوی هیأت دولت و پذیرش ادامه خدمت، عطا گفت: به جای صرف نیروی جوان را به کار گیرند تا جامعه را از بی‌کاری و فساد نجات دهند، بنده همین حقوق زشاندگی را هم که از مردم محروم مملکت می‌گیرم، نمی‌توانم حلال کنم.

ازجمله ویژگی‌های عطا، پرهیز از خودخواهی و خودستایی است. این معلم فرزانه به خوبی می‌داند که:

آن کس که مایه‌دار بود، خودنمای نیست هرگز کسی گلی به سر باغبان ندید

و چنین است که اگر چه بارها به عنوان معلم نمونه برگزیده شد، اما همواره از حضور در مراسم آن دوری جست و در تمام دوران خدمتش هیچ هدیه و جایزه‌ای را از کسی نپذیرفت و هدیه‌ی دریافتی از رئیس جمهور را هم به بنیاد نیکوکاری حضرت ابوالفضل (ع) داد تا صرف تحصیل فرزندان بی‌سپرست جامعه گردد. عطا، هر زمان که امر خیری در پیش باشد، سنت شکنی می‌کند و از خطوط قرمز خود می‌گذرد، آنگونه که وقتی برای ارائه پیشنهاد ساخت «دانشگاه گنجعلیخان» به متولی موقوفه مراجعه کرد و برای دریافت

کمک بیشتر سراغ استاندار کرمان رفت، «نَجَّار» استاندار کرمان که آوازه او را شنیده بود در نهایت تعجب گفت: «بنا بود من به دیدار شما بیایم نه اینکه شما قدم رنجه کنید.» آری، عطا نام بزرگی است که تا همیشه روزگاران، برپیشانی تاریخ خواهد درخشید. عطا سازنده و بنیانگذار: بیش از ۲۵۰ واحد مدرسه بزرگ و بسیار بزرگ - بیش از ۱۳۶۰ واحد مسکونی - مجموعه‌ی مدرن سرای سالمندان - چندین مدرسه شبانه‌روزی - اردوگاه‌های شهید باهنر و شهید رجایی و هفت باغ هینمان در کوهپایه و ده‌ها کار عام‌المنفعه‌ی دیگر است، آنگونه که بدون اغراق می‌توان گفت حجم فعالیت‌های این مرد بزرگ درحد تشکیلات یک سازمان عریض و طویل است. با این تفکرت که سازمان او تنها یک نیروی مخلص، معتقد و از خود گذشته دارد. آن هم بدون هزینه‌های اداری و پرسنلی و... بدون مزد و منت و گرفتن اضافه کاری یا حق ماموریت و پاداش که فقط با حقوق بازنشستگی گذران زندگی می‌کند. باری، مردی که هزاران مت‌بنای خیر ساخت امروز در خانه محقری که ماهی ۷۰ هزار تومان اجاره آنست: تنگ می‌نهد و محل کارش اتاق کوچکی در آموزش و پرورش است که هر روز پس از اسی‌فریبه در آن حضور می‌یابد و پی‌گیر کارها می‌شود. هر وقت در حدود ساعت ۶ بامداد، می‌درد، با ایشان در حد پیراهنی ساده و شلواری شسته شده و اطو ناکرده، سر و صورتی که تردید بر آن نشسته و سپیدای عشق راضا می‌دهد ملاحظه کردید که به عنوان نخستین نیری شامل نه غیرشاغل! وارد اداره کل آموزش و پرورش می‌شود و در میان ادای احترام همگان، آنان که کی در ضلع شرقی می‌رود و روی صندلی چوبی رنگ و رورفته‌ای می‌نشیند و مفسوی کار خود را می‌گشاید، بدانید که او عطا احمدی است. پهلوانی که اگر پوریای ولی هم حضور داشت درمقابلش لنگ می‌انداخت، پهلوانی که پشت همه زورمندان و سوسه گر، از قبیل و دخترازی، مادیات، حق‌ناشناسی، خودشیفتگی و توقعات مشروع و نامشروع را به خاک رساند و حملکردش، تداعی کننده همان سخنی است که «دیوژن» به اسکندر گفت:

تو عمری بنده هوی و هوس بودی و من عمری است که هوی و هوس را بنده خود ساخته‌ام.

یاد و نام عطا به بلندای تاریخ دیار کریمان

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
۱ آدم/۱۱	۲۷	سیاسی بازی یا بازی سیاسی/۵۲	
۲ آفرین و نفرین/۱۲	۲۸	عدل الهی/۵۳	
۳ آیا انسان حیوان برتر است/۱۴	۲۹	عروس و داماد شما/۵۴	
۴ استاندار محترم کرمان/۱۷	۳۰	عزیزالله و شیخ اکبر (دو عزیز بزرگ)/۵۵	
۵ اشرف مخلوقات/۱۹	۳۱	عقل و عشق/۶۰	
۶ امید و آرزو/۲۲	۳۲	عقیده ها و سلیقه ها/۶۱	
۷ انتظار/۲۳	۳۳	غذا و حرکت/۶۲	
۸ ری روزگار/۲۵	۳۴	فتوت و جوانمردی/۶۳	
۹ بوستان/۲۶	۳۵	قضه زندگی/۶۴	
۱۰ بورس و باستان/چهل صفحه ۲۷/۴۱	۳۶	قناعت/۶۹	
۱۱ بوراندخت خانم - بنیاد هربان/۲۸	۳۷	کرم خدا/۷۰	
۱۲ پیری/۳۱	۳۸	کودکانه/۷۳	
۱۳ تبریک نوروز/۳۲	۳۹	گزارش کار عطا/۷۷	
۱۴ تشویق/۳۳	۴۰	گل پرپر سید محمود سخایی/۲۸/مرداد/۳۲/۹۸	
۱۵ تومن (تومن) به جای تومان مغولی و اسپانیایی/۳۶	۴۱	گناه روزگار چیست؟/۱۰۰	
۱۶ تو والایی/۳۷	۴۲	لذت دوز زندگی به آیین پهلوانی/۱۰۱	
۱۷ حق و باطل/۳۸	۴۳	مهر/۱۰۵	
۱۸ خداوکیل برای خدمتکاران سالمندان/۳۹	۴۴	مستجاب الذکر/۱۰۷	
۱۹ خدای مهربان (قل یا عباد...)/۴۰	۴۵	ناگفته های زندگی/۱۰۹	
۲۰ دروغ گو و دروغ پرواز/۴۱	۴۶	نامه به آموزش و پرورش ایران و کرمان/۱۱۰	
۲۱ دعا/۴۲	۴۷	نامه به شاهنشاه و شهیار/۶۰/۶۱/۲۵/۱۳۱/سامی/۱۱۲	
۲۲ دعوت به کار عطا/۴۳	۴۸	نامه عطا به فرزندان/۳۷/۱۱۳	
۲۳ رکاب گرد (هلی)/۴۵	۴۹	نامه به مسئولان جهان و ایران (اول انقلاب)/۱۱۵	
۲۴ ریاکاری و نفهمی/۴۶	۵۰	نامه به نلسن ماندلا (مرد بزرگ)/۱۲۱	
۲۵ زلزله بم/۴۷	۵۱	نامه به نوسازی مدارس کرمان در مورد اردوگاه های (اریکان - فهرج - نرمانشیر)/۱۲۳	
۲۶ زن (گل زیبای زندگی و همسر مهربان مرد)/۴۸	۵۲	وصیت عطا/۱۲۴	

اگر است؟ چرنده و پرنده بنده بس است: عطا